



کامبیز نوروزی

حقوق دان

چیزی به شروع بهار نمانده است. خاکی که امسال خوب دارد باران می خورد، آبستن دانه‌هایی است که بی تاب رقص روییشان اند. روی شاخه‌های درخت‌ها جوانه‌ها دارند چشم باز می‌کنند که به آفتاب سلامی دوباره بدهند.

هوا هنوز قدری سرد است و شکوفه‌های گیلاس زیر پوست نازک درخت انتظار کمی گرما را می‌کشند تا باغ و باغچه را آرایش کنند. اما بنفشه‌ها و پامچال‌ها خوب دارند خاک را زرد و قرمز و بنفش و آبی می‌کنند.

چیزی به دمیدن عید و خودنمایی بهار و رقص جوانه‌ها نمانده است.

اما ۱۶۸ جوانه دیگر مجال شکفتن ندارند. ۱۶۸ جوانه سوختند. در میناب ۱۶۸ جوانه، جوانی را دیگر نخواهند دید.

نسیم بهاری بر پوست ۱۶۸ جوانه نمی‌نشیند و آنها را به رقص نمی‌آورد.

آن صبحی که ۱۶۸ دانش آموز خردسال، مثل همه صبح‌های دیگر با لباس‌های رنگارنگ و لب‌های خندان از مادر جدا شدند و دلی‌دلی‌کنان راه مدرسه را در پیش گرفتند، در همان لحظه یخ زد که سلاح سیاه‌دلان قاتل سقف و دیوار را بر سر آنان خراب کرد و آتش به جان‌شان کشید.

۱۶۸ کودک که روزی می‌خواندند «خوشحال و شاد و خندانم/ قدر دنیا را می‌دانم/ عمر ما کوتاست...» نمی‌دانستند این ترانه زیبای‌شان در همین بیست و نهمه‌کاره می‌ماند که عمر ما کوتاست... عمر ما کوتاست... عمر ما کوتاست... و تمام می‌شود.

این ارمغان جهان توحش است. جهانی که خاک را شخم می‌زند، نه برای کاشت گندم، بلکه برای کشت دانه‌های مرگ.

صدایی از جایی بلند نمی‌شود.

مگر همین چند وقت پیش نبود که هزاران کودک برپر شدند در قطعه زمین کوچکی از جهان که نامش را غزه گذاشته‌اند و هنوز هم همین کودکان دارند می‌پژمرند و به خاک می‌ریزند. جهان چه کرد؟ در جهان قدرت‌ها چه شنیده شد، جز مرثیه و سوگ سرود. آنها

مرثیه می‌خواندند و اینها می‌کشند. گویی که مرثیه‌های آنها موسیقی متن این کشتار است.

نه چیزی بیشتر. حالا در میناب هم همین است. قصه مکرر کشتار کودکان؛ داستان بی‌پایان تاخت‌وتاز فطرت جنگیزی. سیاه جنگیز مغول اگر به ضربت شمشیر و نیزه یک‌یک می‌کشد، جنگیزهای مدرن، با ضربت موشک ده ده و صد صد و بلکه هزار هزار می‌کشند.

یک موشک! یک مدرسه! ۱۶۸ جوانه که دیگر جوان نخواهند شد.

نفرین خدا و درود شیطان بر آنان که هم‌زبان این مردمانند و بر این مزرعه مرگ هلهله می‌کنند و دست به دست مرگ‌آوران از تجاوز به بوم و بری که زمانی مهن آنها بود، کسب‌وکار می‌کنند. متحدانی که دریلانه «دست خون‌آلود

را در پیش چشم خلق پنهان می‌کنند».

عجیباً که جهان جدید کروکرور خراج می‌کند که داروها و درمان‌های تازه بیاید، غذاها سالم‌تر شوند و... تا آدم‌ها سالم‌تر بمانند و بیشتر و بهتر زندگی کنند. اما همین جهان

و صاحب‌قدرت‌ان همین جهان به آسودگی مردمان را، از زن و مرد و پسر و جوان و کودک و کرسنگی و تشنگی و بیماری و مرگ می‌دهند تا قدرت بیشتری پیدا کنند. سودشان در جنگ

و مرگ است. در کهنکشان‌ها دنبال نشانه‌های حیات می‌گردند و بر زمین حیات را می‌کشند.

آنها سرزمین و مردمان خود را آرام و برخوردار و سالم و زیبا و در صلح نگه می‌دارند. اما در این سوی جهان رنج و جنگ و مرگ می‌آفرینند. جهان هیچ‌گاه چنین در تناقض غرقه

نبوده است که امروز تجربه می‌کند.

۱۶۸ جوانه زیبا و دلارا با آتش دو حکومت تجاوزگر و ضد انسانی دیگر جوانی را خواهند دید. اما آنها را در دل‌های خود شاداب و شکوفنده نگه می‌داریم.

فطری که در پیش و نوروزی که در راه است، نوعید ۱۶۸ کودک است. نمی‌توانیم بر مدفن آنها حاضر شویم و به دیدار مادران و پدرانشان برویم و حال خونین‌دلان بجویم و زین جفا رخ

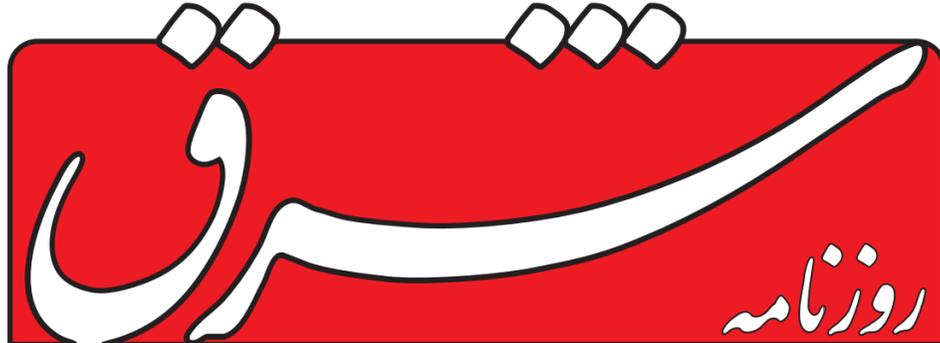
به خون بشویم.

ولی به سنت نوعید به زیارت آلا‌ها و بنفشه‌ها و پامچال‌ها و جوانه‌های درختان می‌رویم که هر یک رخساره‌ای است از آن ۱۶۸ گل‌چهره‌های سوخته خاموش.

به بهار سلام می‌کنیم و با قدقامت سرو و صنوبر قامت می‌بندیم و باغ دل را به خوشامد نوروز و بزرگداشت فطرت انسانی با یاد ۱۶۸ جوانه زینت می‌بخشیم.

در سور نوروز تازه امید روزهایی را می‌پروریم که بی‌دغدغه متجاوزان مرگ‌خو، صلح و زیبایی و عشق و آزادی را زندگی کنیم.

چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۴
۲۸ رمضان ۱۴۴۷
۱۸ مارس ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۳۵۰
۳۰ هزار تومان
۴ صفحه



قالباف:

وضعیت تنگه هرمز  
هیچ‌گاه مثل گذشته  
نخواهد شد



در «شرق» امروز می‌خوانید: درخواست از یونسف و مجامع بین‌المللی؛ کشتار کودکان را بررسی کنید • بهار ۱۴۰۵ نالان آمده تا امید جان بگیرد/ قادر باستانی تبریزی

«شرق» از تأثیر جنگ بر مناسبات ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس با نگاهی به نامه علی لاریجانی گزارش می‌دهد

# جنگ و همسایگی روی موج عربی

گزارش تشریح‌گر در صفحه ۲ بخوانید

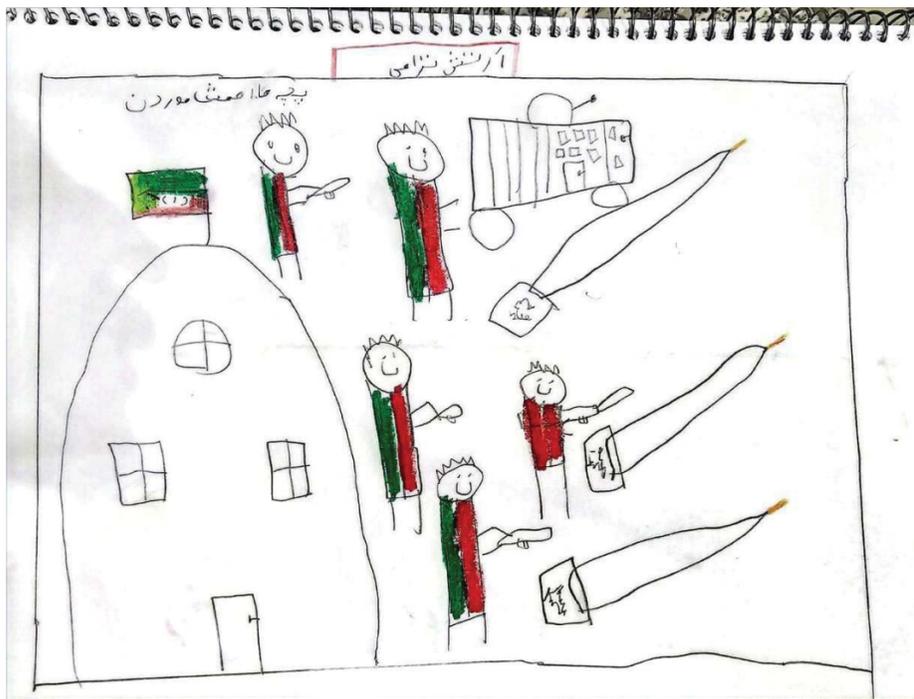
گفت‌وگوی «شرق» با خانواده‌های معلمان و دانش‌آموزان شهید و مفقودی‌های مدرسه شجره طیبه میناب، دو هفته پس از بمباران توسط آمریکا؛

## ۹۰ درصد پیکرها به سختی شناسایی شدند

یک معلم و دو دانش‌آموز پیدا نشدند. جست‌وجو تمام شد. سردخانه تنها بیمارستان میناب آن روز برای قربانیان جانداشت و آنها را به سردخانه ماهی و میگو بردند

الناز محمدی: از ساختمان‌هایی که با موشک متلاشی می‌شوند، آدم‌هایی بیرون می‌آیند بی‌سر، بی‌پا، بی‌دست، بی‌صورت، گاه زنده با تنی مجروح، گاه مرده با تنی سالم و گاه فقط یک تکه ران، برای دست‌ها و پاها و تکه‌های کوچک باقی‌مانده از بدن‌ها هم معمولاً جایی پیدا و همه را یک جا دفن می‌کنند؛ شبیه اتفاقی که سه روز پیش در میناب افتاد. بعد از آن انفجار بزرگ در مدرسه معروف شهر، وقتی تکه‌های بعضی بدن‌ها آن قدر ناشناس ماندند که همه در گودالی در خاک، کنار هم آرام گرفتند. از ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه نهم اسفند ۱۴۰۴ تا سه روز بعد، از ساختمان دبستان پسرانه و دخترانه «شجره طیبه» که زیر نظر «مؤسسه فرهنگی آموزشی رهبانان شهدای خلیج فارس» است، همین آدم‌ها بیرون آمدند. در شهر ۸۰ هزار نفری میناب، خیابان رسالت، جایی نزدیک مجتمع فرهنگیان المهدی، همین آدم‌ها با انواع این حالات، چه کودک بودند، چه معلم و چه پدر و مادرهایی که به محل انفجار رفته بودند، خارج شدند؛ جمعی ۱۶۸ نفره که ۱۱۰ نفر از آنها کودک بودند...

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید



### یادداشت

## سالمندان را دریا بیم



علی عسگری

جنگ و شرایط جنگی الزاماً هم به صورت خودآگاه و هم ناخودآگاه، اتحاد جامعه را متوجه و درگیر کنش‌ها و واکنش‌هایی می‌کند که طبیعتاً مرتبط و متناسب با آن است و نیازهای متعددی

را برای مقابله و نیز تقویت استقامت فردی و جمعی برطرف می‌کند. اما در این میان شاید پرداختن به برخی موضوعات که معمولاً در زمان صلح و آرامش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند نیز ضروری باشد چراکه در نظر گرفتن آنها، در دفاع و حراست از کبان اجتماعی، نقشی بسزا ایفا می‌کنند و از آن جمله، دریافتن افراد آسیب‌پذیرتر است که به حمایت بیشتری نیازمندند. این افراد، از مناظر مختلف قابل دسته‌بندی، توصیف و بررسی هستند که در این مجال صرفاً به یک دسته اشاره خواهد شد که از منظر دوره سنی، آسیب‌پذیرتر بودنشان بدیهی است و آن، سالمندان هستند.

آنان نیز همچون کودکان گروه ویژه‌ای در بین اقصای سنی جامعه محسوب می‌شوند که در چرخه طول عمر انسانی در جایگاهی خاص قرار دارند و همواره در وضعیت‌های مختلف زندگی، ارتباط با دیگران با موقعیت‌های محیطی، نیازمند توجه، رسیدگی، تأمین ویژه و ملاحظات گوناگون هستند که البته این امر در شرایط متفاوتی در بحران، بسیار مهم‌تر می‌شود.

اگرچه سلامت تن و روان موضوعی کاملاً قابل دستیابی، حفظ و حتی تقویت برای این گروه سنی است که شیوه زندگی در دوران جوانی و میانسالی می‌تواند پیش‌درآمد آن تلقی شود اما بروز یا افزایش انواع اختلالات جسمی و روحی در این دوره از زندگی هر انسان حتی در شرایط عادی نیز قطعاً نمی‌تواند دور از ذهن یا غیرقابل تصور باشد که البته اوضاع غیرعادی زمینه را فراهم‌تر می‌کند.

پرواضح است که یکی از اختلالات روانی و روزمره که مخاطرات جسمی را هم می‌تواند در پی داشته باشد، اضطراب است که در سالمندان و به ویژه در شرایط جنگی و اضطرابی، غیرقابل اجتناب بوده و سالمندان ممکن است همانند کودکان توانایی انتقال کامل، واضح، صحیح یا به‌موقع معضلات خود را به اطرافیان نداشته باشند که این امر، اهمیت مراقبت و همراهی متفاوت از آنها را دوچندان می‌کند.

همراهی مطلوب با سالمندان در شرایط

جنگی و بحرانی با حفظ صبر و تسلط بر خویشتن، به‌کارگیری لحن آرام و اعتمادبخش حتی در ترسناک‌ترین و سخت‌ترین وضعیت، نوازش‌های کلامی و غیرکلامی مستمر، حفظ روتین - غذا، خواب و تحرک

در حد امکان - و رسیدگی‌های پزشکی لازم، تقویت فضای ارتباطی با دیگران و به‌خصوص وابستگی عاطفی، حذف یا محدود کردن اخبار و تصاویر خشن و صداهای هول‌انگیز، صحبت و گفت‌وگو با سالمند در موضوعات غیرمرتبط با شرایط و اخبار، ایجاد زمینه‌های بیان و مرور خاطرات خوش گذشته برای آنها، جلوگیری کامل از صحبت‌کردن درباره حوادث با دیگران - حضوری، تلفنی یا مجازی - در حضور سالمندان و در نهایت توجه اکید به عدم تخلیه اضطراب خود یا دیگران در مقابل یا محیط حضور آنها قابل‌تحقق‌تر می‌شود. طبیعی است که شناخت هر چه بیشتر نشانه‌های بروز اضطراب یکی از شروط لازم همراهی و مراقبت مطلوب بوده و تطبیق آن نشانه‌ها با خصوصیات همیشگی زندگی سالمندان و ویژگی‌های شخصیتی و انحصاری هر سالمند نیز ضروری است.

هر انسانی محیط را با کمک حواس پنج‌گانه بینایی، بویایی، شنوایی، چشایی و لامسه خود درک می‌کند که هر کدام از این حواس به‌تنهایی یا همراه با یک یا چند حس دیگر ممکن است در شرایط جنگی، پیام‌هایی را خارج از نظم عادی و جاری زندگی از محیط به مغز منتقل کند تا پیام، دریافت و پردازش شود و با تحلیل و بررسی کامل و همه‌جانبه، سبب بروز واکنش‌های متناسب شود. اما برای سالمندان این تفاوت برجسته نسبت به جوانان و میانسالان وجود دارد که ممکن است هر کدام از حواس مورد اشاره یا قوای مغزی، به دلیل شرایط سنی، دچار ضعف یا اختلال عملکردی باشد که این امر، گاه در جهت افزایش توان سازگاری و گاه در خلاف می‌شود که تشخیص آن توسط اطرافیان و مراقبان سالمند، قابل توجه است.

طرح موضوع اضطراب اگرچه عمومی، مهم و کاربردی است اما بهانه‌ای بود در مجالی اندک برای پرداختن به اهمیت موضوع مراقبت و محافظت از سالمندان در شرایط جنگی که قطعاً دقت و یادآوری موارد بسیار و متعدد دیگری نیز برای حصول مطلوب آن نیاز است.



Iran MS Society  
انجمن ملی ام‌اس ایران  
ام‌اس



هیچ مرزی برای رویاهای ما وجود ندارد.

ام اس ناتوانی نیست

کنترل ام اس با تشخیص به موقع و درمان